

دلستان روضه مکتوب می خواهد

«ماه به روایت آه» را بخوانید

نازنین برادرم، عباسم!



گاشانه



javanonline.ir

شماره
۱۰

| ضمیمه هفتگی سبک زندگی و خانواده |
| روزنامه جوان | پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۱ |



«کودکان» بی دفاع ترین شهروندان
در ترافیک شهر هستند

فرزندم دستت را
به من بده
تا از خیابان رد شویم

هریک از ما می توانیم یک خیریه باشیم

کار خیر آدم پای کار می خواهد
پول خودش می رسد



لذت اوقات فراغت با رعایت آداب خوردن و آشامیدن

بخورید و بیاشامید
ولی طبیعت را
نابود نکنید

ساده و بی تکلف، پای صحبت خادمین حسینی

آقایی یعنی نوگری دستگاه سیدالشهدا (ع)



نگاهی به آیین های سنتی عزاداری امام حسین (ع) در مناطق مختلف ایران

عظیم ترین سمفونی غمبار دنیا

ساده و بی تکلف، پای صحبت خادمین حسینی

آقایی یعنی نوکری دستگاه سیدالشهدا (ع)

پست و مقام را پشت در هیئت بگذار و بیا داخل!



گزارش و عکس: نیره ساری

❖ سیاهپوست بود. با امام به کربلا آمد. در شب عاشورا خیمه ویژه‌ای برای خود برپا کرد تا سلاح یاران امام حسین (ع) را تعمیر و اصلاح کند. در روز عاشورا امام حسین (ع) او را از رفتن به میدان بازداشتند. خود را پیش پای امام انداخت و بر آنها بوسه زد و گفت: ای فرزند رسول خدا! من برای آسودگی خاطر خویش در گرفتاری از شما کمک می‌گرفتم. من خود می‌دانم که بوی خوشی ندارم، خویشاوندی فردی فرومایه‌اند و رنگ سیاه است، اما شما بر من از آن نفس بهشت گونه‌تان بدمید تا که خوشبو شوم، شرافت خویشاوندی یابم و سیمایم سفید شود. به خدا قسم از شما جدا نخواهم شد تا این خون من با خون شما در آمیزد. پس آن گاه امام او را اجازه رزم دادند. در نهایت خوش با خون‌های مطهر اصحاب عجین شد. او همان غلام سیاه اباعبدالله‌الحسین (ع)، حضرت جَوْن (ع) است.

چه راهی بهتر از یک تجربه موفق؟ کسی که در تاریخ موفق شد به مدال خادمی سیدالشهدا نائل شود. کسی که او را همه به عنوان خادم‌الحسین می‌شناسند. فردی که روزگاری خادم ابودر و سرانجام خادم حسین (ع) شد. گفته می‌شود «جون» اولین خادم‌الحسین بوده است و ویژگی‌های شخصیتی وی می‌تواند ویژگی اصلی خادم‌الحسین‌های امروز باشد. خبرنگار کاشانه این هفته میان عزاداران حسینی رفته و یک سؤال ساده از خادمان حسینی پرسیده است: «چرا خادم‌الحسین؟!» سؤالی که طیف‌های مختلف سنی پاسخ‌های متفاوتی به آن دادند و همه در یک چیز مشترک بود: ارادت خالصانه به سیدالشهدا.



مصطفی رضایی / ۴۵ ساله: من شغل خاصی دارم، اما با این حال خدمت در روضه امام حسین را دوست دارم. چند روز پیش جایی بودم که بنایی و فرش شویی برای هیئت انجام دادم. اعتقادم این است که در راه امام حسین همین‌ها فقط باقی می‌ماند.

علی داوودی / ۳۰ ساله: ما از کودکی با هیئت و امام حسین بزرگ شدیم. اول لطف امام حسین و بعد هم زحمت پدر و مادر و قطعاً این حضور در زندگی ما تأثیرگذار است. اگر در هیئت باشیم لطف امام حسین شامل حالمان خواهد شد.

سیدحسن حسینی / ۳۹ ساله: آن زمان که گفتند هل من ناصر ینصرنی من نبودم. امروز اگر هستم باید این پرچم به هر طریقی بالا بماند.

امیر حسن توره / ۲۵ ساله: تاقیام قیامت دینی از یک خون بر گردن ماست و تا ابد ما زیر این دین هستیم و باید دین خود را به جا بیاوریم.

مهدی بادینلو / ۵۰ ساله: اعلم و افضل همه اعمال زیارت امام حسین است و افضل تر اینکه امام حسین فرمودند خدمت به زائرین من از زیارت من اعلا تر و واجب تر است و با همین دو لفظ می‌گویم زندگی خود را صرف بهتر خدمت کردن به اباعبدالله و دوستدارانش می‌کنم.

علی خاکپور / ۱۸ ساله: نوکری اباعبدالله افتخاری برای ماست و هر چه داریم و نداریم از اباعبدالله هست.

جواد خاکپور / ۴۴ ساله: هر چه داریم از امام حسین داریم.



ضمیمه کاشانه

مدیر مسئول: محمد جواد اخوان

سر دبیر: غلامرضا صادقیان

دبیر ویژه‌نامه: حسین گل محمدی

مدیر فنی: حسن فردی

همکاران تحریریه:

نیره ساری - حسین کشتکار

چاپ: جوان

محمد استیری / ۲۰ ساله: به این خانواده خدمت نکنیم به چه کسی خدمت کنیم؟

محمد حسام بیگاری / ۲۰ ساله: اجر و پاداش آن خیلی خوب است. برای کار و خیلی مسائل دیگر. من شقایق را از امام حسین گرفتم.

امیر حسین سلیمانی / ۱۱ ساله: فهمیدم اگر نوکری امام حسین را بکنیم در زندگی موفق و در راه درست هستیم و در آینده هم کارهایی که به نفع مان باشد، انجام خواهیم داد.

خانم نارجیلی / ۴۳ ساله: کمترین کاری که از دستم برمی‌آید برای آقا انجام می‌دهم.

خانم نصیر پور / ۶۵ ساله: خون شهدا را وقتی دیدیم احساس کردیم. ۱۴۰۰ سال از خادمی عقبیم و سعی کردیم خادم و سفیر اهل بیت باشیم.

خانم رادی / ۴۰ ساله: خادمی می‌کنم چون وظیفه و عشق است. عشق بالاتری از هر چیز، حتی خانواده.

خانم عبداللهی / ۶۳ ساله: علاقه زیادی به ائمه دارم. اعتقاد دارم شقایق خودم را از خادمی گرفتم.

خانم توکلی / ۳۸ ساله: به عشق امام حسین (ع) دوست داشتم در این راه خدمت کنم. امام حسین خاص است و از زمانی که به دنیا آمدیم، عشق امام حسین در دل ما بوده و ریشه دارد.

برخی از این افراد ویژگی خادم‌الحسین‌ها را در نگاه خود این گونه توصیف کردند:

- **بادینلو:** امام حسین (ع) برای رسیدن به هدف از همه چیز خود گذشت. برای خدمت کردن باید از همه چیز گذشت و فقط باید فکر خدمت در دستگاه امام حسین بود.

- **توره:** هر کس مسئولیتی دارد پشت در هیئت بگذارد و بیاید داخل.

- **خاکپور:** هیچ وقت خودم را در این دستگاه بزرگ نبینم و خود را کوچک‌ترین بدانم.

- **میرزاخانی:** ما شب اول بستیم با اباعبدالله که سعی کنیم کم نگذاریم در خدمت.

- **دارستانی:** در این دستگاه امام حسین خودش لطف می‌کند و باید بتوانیم بهترین رفتار را کنیم تا دیگران نگویند خادم امام حسین فلان رفتار را کرد.

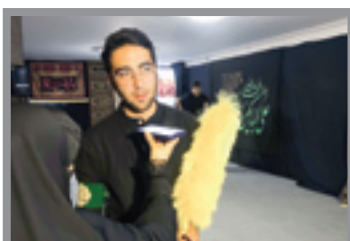
- **داورزنی:** سعی کنیم لااقل درصدی از راه امام حسین را دنبال کنیم.

- **طالبی:** بر خورد خوب با عزاداران سیدالشهدا واجب است.

- **استیری:** حسن خلق داشته باشیم و با مردم خوب رفتار کنیم. ❖



سینا صادقی نژاد / ۲۲ ساله: شیر پاک مادرم، نان حلال پدرم و لطف امام حسین بوده که در این راه افتادم. سعی کردم در این سال‌هایی که خدمت کردم خوب نوکری کنم. حتی اگر بگویند جارو کن یا کفش جفت کن یا حتی بگویند فقط جلوی در بشین



امیر حسین / ۱۶ ساله: آمدیم خدمت کنیم تا امام حسین دست ما را بگیرد و به راه راست هدایت‌مان کند.

محمود اتراک / ۴۷ ساله: نوکر امام حسین هستیم و هر کاری هم باشد انجام می‌دهیم؛ چون دوستش داریم.

علی میرزاخانی / ۳۳ ساله: هر کاری کنیم مدیون اباعبدالله هستیم و اگر خودمان و خانواده‌مان جانمان را فدا کنیم، بعید می‌دانم ذره‌ای جبران کنیم. در جای جای زندگی ما محبت امام حسین ثابت شده. نامردی است که کاری از دستم بر بیاید و جبران نکنم!

علی دارستانی / ۲۵ ساله: بالاتر از خدمت به امام حسین نداریم.

عرشیا فتحعلی / ۱۹ ساله: امام حسین خیلی به ما لطف کرد و خیلی مدیونش هستیم. من وقتی فکر می‌کنم آقایی با بچه خود در آن دشت بوده، بغضم می‌گیرد. خیلی مواقع امام حسین کمک کرده. شما بودید خودتان این کار را نمی‌کردید و با امام حسین نمی‌ماندید؟! از بچگی یادم است، می‌گفتند یک آقایی هست، دست ما را می‌گیرد، اگر شما بودید خادم این آقایی شدید؟ حتماً می‌شدید.

سیدمحمد علی حسینی / ۶۷ ساله: تا جایی که به یاد دارم از هفت هشت سالگی پای دستگاه امام حسین بودم و افتخار می‌کنم خادم امام حسین باشم و ان شاءالله در این راه به شهادت برسم.

محمدصادق داورزنی / ۱۹ ساله: تمام کاری که دوست دارم در این دنیا انجام بدهم، چه بهتر برای امام حسین و اولاد امام حسین باشد.

سینا صادقی نژاد / ۲۲ ساله: شیر پاک مادرم، نان حلال پدرم و لطف امام حسین بوده که در این راه افتادم. سعی کردم در این سال‌هایی که خدمت کردم خوب نوکری کنم. حتی اگر بگویند جارو کن، یا کفش جفت کن یا حتی بگویند فقط جلوی در بشین. شاید اوایل به این دلیل بود که چهار نفر از من تشکر کنند، اما ستم هر قدر بالاتر برود متوجه می‌شوم کسی که باید، می‌بیند. در این دم و دستگاه سعی می‌کنم نظری ندهم، چون خود امام حسین کنترل می‌کند و من فقط نوکری می‌کنم.

حسن پاشایی / ۱۷ ساله: امام حسین عشق از بچگی تا بزرگی ما بوده و هست. بهترین کار خادمی هیئت ایشان است.

عطا طالبی / ۳۱ ساله: افتخار است. یک سال لحظه شماری می‌کنم تا محرم برسد و رزق یک‌سال خود را از نوکری بگیریم.

امیر حسین نشت زر / ۱۸ ساله: خدمت می‌کنم تا یک سفر اربعین از امام حسین بگیرم.

حسین شهرابی / ۱۹ ساله: نوکری امام حسین وظیفه ماست. از زمان به دنیا آمدن تا جان در بدن داریم باید به امام حسین خدمت کنیم.

پول خودش می رسد

کار خیر آدم پای کار می خواهد

مهدی ارجمند

درست است که بسیاری از کارهای خیریه پول گره خورده است، اما همت بلند است که چرخ های کار خیر را به حرکت وامی دارد. کار خیر همت بلند می خواهد و یک دل بزرگ. کاری به سوءاستفاده برخی افراد از احساسات پاک مردم در کمک کردن به همنوع شان نداریم. کاری هم به سیاست های اشتباه کمک کردن به نیازمندان و نداشتن یک برنامه جامع برای ریشه کنی فقر در جامعه نداریم. اینجا صحبت از جوانانی مؤمن است که به لطف شبکه های اجتماعی گره های بزرگی باز می کنند. از رفع نیازهای نیازمندان آبرومند با حفظ کرامت انسانی آنها تا کمک برای آزادی زندانیان جرایم مالی و حمایت تحصیلی از کودکان بی بضاعت و...



بسیاری از افرادی که در خیریه های خودجوش فعالیت دارند از اقشار کم درآمد و متوسط هستند، حتی خیلی هایشان دانشجو هستند. دانشجو هم که می داند قطعاً باغ بالا و آسیاب پایین ندارد. برای تأمین شهریه دانشگاه کارهای پاره وقت انجام می دهند اما روح بزرگی دارند و همتی بلند، چون اعتقاد دارند از همت بلند است که انسان به جایی می رسد و گرنه نشستن و دست روی دست گذاشتن مشکل هیچ کسی را حل نمی کند.

گروه های خیریه در شبکه های اجتماعی کم نیستند هر چند باید مراقب بود تا خدای ناکرده فریب برخی افراد سودجو را نخوریم. نباید اجازه بدهیم برخی از افراد سودجو از احساسات پاک مردم سوءاستفاده کنند. بنابراین اینجا صحبت ما از گروه هایی است که بدون هیچ چشمداشتی فقط و فقط برای رضای خدا به دنبال حل مشکلات مردم هستند.

گروهی را می شناسم که کارشان حمایت تحصیلی از کودکان با استعداد اما کم بضاعت است. بدون اینکه نامی از آنها به جا بماند و اسمی از آنها در میان باشد

بسیاری از افرادی که در خیریه های خودجوش فعالیت دارند از اقشار کم درآمد و متوسط هستند، حتی خیلی هایشان دانشجو هستند. دانشجو هم که قطعاً باغ بالا و آسیاب پایین ندارد

از طرق مختلف کودکان با استعداد و درس خوان در خانواده های کم بضاعت را شناسایی و از آنها حمایت تحصیلی می کنند. آنها اعتقاد دارند این کودکان همه فرزندان ایران هستند و امروز اگر از آنها حمایت کنند آنها هم فردا ایران را می سازند. این افراد به این کودکان به چشم بچه های خودشان نگاه می کنند و بر اساس یک برنامه ریزی با شناسایی این کودکان از آنها حمایت می کنند تا مبادا کودکی به خاطر فقر و نداری درس خواندن را رها کند. گروه ۵۰۰ نفره ای را می شناسم که عمدتاً کارمند هستند و بعضی هایشان شغل آزاد دارند. با خودشان عهد کرده اند هر ماه نقری ۲۰ هزار تومان برای تأمین هزینه های زندگی افراد نیازمند کنار بگذارند. روز اولی که این گروه راه اندازی کردند پنج نفر بیشتر نبودند ماه اول فقط یک خانواده را توانستند تحت پوشش قرار دهند اما از ماه دوم به یک باره ۳۰ نفر اضافه شدند و با اینکه مدت کمی از فعالیت این گروه می گذرد حالا به ۵۰۰ نفر رسیده است و هر ماه نقری ۲۰ هزار تومان به شماره حسابی که اعلام شده واریز می کنند. از بین خودشان چند نفر

خدمتگزاران به زائران پیاده امام رضاع) مکان هایی را برای اسکان زائران در نظر می گیرد. یکی از این اماکن اسکان را این گروه بر عهده می گیرند و در دهه آخر صفر، صدها زائر پیاده را پذیرش می کنند و خدماتی مانند اسکان، غذا، دارو، خدمات پزشکی و... به آنها ارائه می دهند.

اینها تنها نمونه هایی از کارهای خیریه است که توسط عده ای در گوشه و کنار کشورمان انجام می شود. کارهای خیریه که می تواند الگویی برای تمام شهرها باشد تا در محله مان خانواده نیازمندی نداشته باشیم. کسی بی گناه پشت میله های زندان نباشد. کودکی به خاطر فقر و نداری از درس خواندن محروم نشود. بیماری علاوه بر رنج بیماری دغدغهای دیگر به اسم تأمین هزینه های درمان نداشته باشد. آدم

آبرومندی پیش زن و فرزندش
خجالت زده نشود و... همه
این کارها شدنی است،
فقط همت بلند
می خواهد و آدم
پای کار. *



لحن کلام شما نشانه شخصیت شماست

من زیبا هستم چون زیبا سخن می گویم

می توان شناخت. انسان مهربان، لحنی آرام و چهره ای گشاده دارد. او بدین وسیله مهرش را آشکار و خود را دوست داشتنی می کند.

هر کسی می تواند خطای دوست و طرف مقابل خود را با لحنی آرام، سخنانی شمرده و با جملاتی مرتب و بدون خشم و خشونت بیان کند و علاوه بر آن همچنین می تواند شیطان را به میانه خود راه داده و همان سخنان را با فریاد و تند بگوید. اما کدام یک آدمی را دوست داشتنی می کند؟ کدام شیوه، ارتباط انسان با دیگران را تقویت می کند؟ نرم گویی یا درشت گویی؟ برای جلب دل انسان ها، چیزی مؤثرتر از زبان نرم نیست و این، فرموده امیر دل ها علی علیه السلام است. *



از بین می برد و هر قدر که بیان به نرمی و متانت باشد، گیرایی بیشتری خواهد داشت. هر کسی را از نوع سخن گفتنش

شده اند: «أجملوا فی الخُطاب:» «خطاب زیبا داشته باشید.»
تندی و خشونت در سخن، تأثیر کلام را

کلامش را نیکو بپروراند.

نوع بیان، تأثیر بسزایی در حسن گفتار دارد. نوع بیان گاهی نیکویی محتوای سخن را از بین می برد. تصور کنید کسی به پیشخوان بانک مراجعه کرده و در حالی که مسئول آن قسمت، مشغول گفت و گو با گوشی همراه خود است، سؤالی را می پرسد. متصدی چهره در هم کشیده و بعد از اتمام صحبتش با تلفن، به تند می گوید: «آقای محترم! مگر نمی دیدی من با تلفن صحبت می کردم؟»

محتوای این پرسش معترضانه تا حدی قابل قبول است اما هیچ کس از این کلام، مهربانی و احترام برداشت نخواهد کرد. از این جهت است که معصومین متذکر

مصطفی مولوی

آیا تا به حال به این موضوع فکر کرده اید که محتوای حرف های شما چگونه است؟ آیا دوست دارید همان چیزهایی که به دیگران می گوئید، به شما بگویند؟ این پرسش را مطرح کردیم تا بگوییم سخن گفتن یک مؤمن مسلمان باید از آدابی پیروی کند و قواعدی داشته باشد تا دلی را زخمی و ذهنی را مخدوش نکند. یک مسلمان مهربان، سخن درست و مستدل خود را به ناسزا آلوده نمی کند. انسان خردمند باری به هر جهت و بدون تأمل سخن نمی گوید. انسان فرهیخته پیش از هر سخنی نزد خود خوب اندیشیده و پس از آن دهان به تکلم می گشاید. تمام تلاشش هم این است که

«کودکان» بی‌دفاع‌ترین شهروندان در ترافیک شهر هستند

فرزندم دستت را به من بده تا از خیابان رد شویم

سیمین جم

کودکان جزو آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند، چرا که به لحاظ جسمی و روحی به بلوغ نرسیده‌اند و از نظر تربیت اجتماعی و میزان توانمندی در حوزه مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی نیز در حد مطلوب نیستند. دقیقاً چنین ویژگی‌هایی است که کودکان را به والدین و بزرگ‌ترها وابسته می‌کند و آنان بدون کمک و راهنمایی بزرگ‌ترها قادر به رفع کامل نیازهای خود نیستند. از جمله موارد مهم و اصلی که امنیت کودکان را تأمین می‌کند، مراقبت از آنان در مقابل ترافیک است. در واقع رفتار ترافیکی والدین و بزرگ‌ترها در حفظ سلامت کودکان بسیار تعیین‌کننده است.

محدودیت‌های کودکان در برابر ترافیک

بررسی آمار کشته‌های ناشی از تصادفات براساس سن نشان می‌دهد مرگ کودکان زیر ۱۰ سال به دلایلی برمی‌گردد که با آموزش و مراقبت به راحتی قابل پیشگیری است. بخش مهمی از مشکلات کودکان در قبال ترافیک و رفت‌وآمد به



کودک وارد دبستان می‌شود. این مرحله بسیار مهم است، زیرا عوامل گوناگونی در این گروه سنی موجب افزایش خطرات می‌شود، از جمله طولانی بودن و خطرناک بودن مسیر خانه به مدرسه، بازگوشی کودک، شوخی با همکلاسی‌ها، تمایل به تنهایی رفتن و به طور مستقل کار کردن، لذا پیشنهاد می‌شود والدین ضمن شناخت مسیر ایمن خانه و مدرسه، چند روز این مسیر را به همراه فرزند خود طی کنند تا کودک با مشکلات مسیر آشنا شود و یک روز هم می‌توانند بی‌آنکه کودک بفهمد مراقب او باشند. در زمینه آموزش‌های غیررسمی می‌توان جشن‌های آموزشی، مسابقات و استفاده از پارک آموزش ترافیک را لحاظ کرد و سراهای محله، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ در شهرها در این زمینه برنامه‌های متعدد دارند.

تأثیر رفتار ترافیکی بزرگ‌ترها

مهم‌ترین موضوع برای تأمین امنیت کودکان در ترافیک این است که در محیط ترافیک دست آنها را رها نکنیم. رفتار درست ترافیکی بزرگ‌ترها نیز بسیار مهم است. کودکان از رفتار ترافیکی بزرگسالان متأثر می‌شوند، برای مثال هنگامی که یک کودک مشاهده کند پدر یا مادرش از کمر بند ایمنی استفاده می‌کند یا در عبور از خیابان از گذرگاه عابر پیاده استفاده می‌کند، این موارد را به عنوان «هنجار» فرامی‌گیرد. کودکان اغلب اشتیاق دارند خودشان از خودرو پیاده شوند و این امر نتایج ناگواری دارد، پس بهتر است این عادت کودکان تقویت شود که از در اتومبیل منتهی به جدول پیاده شوند. *

کودکان معمولاً هنگام عبور از خیابان به هر دو طرف نگاه نمی‌کنند و نمی‌دانند هنگام مواجهه با خطر باید چه کنند. درک خطراتی که به طور ناگهانی در محیط ترافیک بروز می‌کند برای آنها دشوار است

دست بزرگ‌تر خود هنگام عبور از خیابان، عبور از محل‌های غیرمجاز، بی‌توجهی به چراغ‌های عابر پیاده، بازی کردن در خیابان، دویدن به دنبال وسیله نقلیه و عجله هنگام گذشتن از سطح سواره‌رو. بی‌تردید هر یک از موارد ذکر شده می‌تواند برای کودک حادثه‌آفرین باشد، از این رو شناخت همه‌جانبه والدین از کودکان بسیار اهمیت دارد.

اهمیت آموزش و مراحل آن

گام نخست آموزش ترافیک از خانواده آغاز می‌شود و اگر افراد خانواده با فرهنگ ترافیک آشنا شوند و در رفتار خود آن را رعایت کنند، می‌توانند بر فرزندان خود نیز تأثیر بگذارند. مرحله دوم آموزش در مهدکودک‌هاست. مربیان مهدکودک می‌توانند به صورت نظری و عملی کودکان را با عبور و مرور و خطراتی که آنها را تهدید می‌کند، آشنا کنند. می‌توان از بازی‌ها و اشعار و نقاشی برای آموزش بهره گرفت. مرحله سوم آموزش زمانی است که

محدودیت‌های فیزیکی، شناختی و رفتاری آنان برمی‌گردد. کودکان هنگامی که در محیط ترافیک قرار می‌گیرند، عامل کوتاهی قد موجب می‌شود بعضی اوقات دیده نشوند، به ویژه در شرایطی که راننده اتومبیل در حال دنده عقب رفتن است. کودکان به سهولت نمی‌توانند در یابند که چه چیزهایی برای تأمین ایمنی آنها مهم است، آنها معمولاً هنگام عبور از خیابان به هر دو طرف نگاه نمی‌کنند و نمی‌دانند هنگام مواجهه با خطر چه باید کنند. درک خطراتی که به طور ناگهانی در محیط ترافیک بروز می‌کند برای آنها دشوار است، به بیان دیگر کودکان شاید بتوانند شرایط عبور از خیابان را درک کنند اما یک تغییر ناگهانی باعث حواس‌پرتی و دست‌چاکی آنها می‌شود. حس شنوایی کودکان نسبت به بزرگسالان محدود است، آنها در مورد تشخیص جهت صداهای ترافیک دچار اشتباه می‌شوند. کودکان معمولاً به وسایل هشداردهنده در سطح راه‌ها توجه چندانی ندارند، چون درک آنها از مرگ، جرح یا خطر بسیار محدود است. کودکان برخلاف بزرگسالان از گوشه‌به‌چیزهای مختلف توجه ندارند، به همین علت امکان دارد نتوانند اتومبیلی را که در حال نزدیک شدن است، ببینند.

شناخت رفتار کودکان در ترافیک

شناخت رفتار کودک در ترافیک اهمیت بسیاری دارد زیرا برای برنامه‌ریزی آموزشی ابتدا باید این رفتارها شناخته شود تا بتوان آموزش‌های لازم را برای اصلاح و بهبود آنها تدارک دید. بعضی رفتارهای خطرناک کودکان در کوچه و خیابان عبارتند از: دویدن ناگهانی به خیابان، رها کردن

پول‌تان را برای اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت دور نریزید

کودک شما ملاقه را بیشتر از باربی دوست دارد!

مطهره علوی

بسیاری از والدین تصور می‌کنند اسباب‌بازی‌ها هر چقدر گران‌قیمت تر هستند بهتر و مناسب‌ترند، در حالی که اصلاً چنین نیست. گاهی یک تکه چوب یا بطری خالی نوشابه یا حتی شاید یک قابلمه یا ملاقه برای کودک بسیار جذاب‌تر و شیرین‌تر از اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت و لوکس است. شاید برای بسیاری از والدین ناخوشایند باشد که پس از صرف هزینه‌های گزاف و وقت زیاد و تدارک اسباب‌بازی‌های زیبا و رنگارنگ برای کودک خود باز هم شاهد علاقه او به وسایل منزل از جمله تلفن و ظروف باشند اما اصلاً جای نگرانی وجود ندارد چرا که بهترین اسباب‌بازی برای کودک همان است که او به سمت آن کشش دارد و بازی با آن وسیله، برایش مهیج و لذت‌بخش است. بد نیست بدانیم که هر چقدر اسباب‌بازی‌ها دارای شکل و شمایل نامتعارف‌تری باشند، قوه تخیل کودک را بیشتر تقویت می‌کنند و کودک می‌تواند با ذهن

خلاق خود استفاده متفاوتی از وسایلی با شمایل ساده داشته باشد، برخلاف اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت که به خاطر شکل و فرم کاملاً روشن خود تنها یک کاربرد دارند. به عنوان مثال عروسکی که با شکل و لباس کاملاً مشخص فقط نقش یک عروسک را دارد و در مقابل، تکه‌ای چوب که ممکن است در نقش شمشیر قرار بگیرد و گاهی در نقش یک اسب. پس با کم کردن از حساسیت‌های بیجا به فرزند خود اجازه دهید بیشتر از وسایل خانه بهره‌مند شود و از آن طریق و با کمک شما قوه تخیلش پرورش یابد. اسباب‌بازی‌ها در اصل ابزاری هستند برای آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان، البته در صورتی که از اسباب‌بازی‌های استاندارد و مناسب استفاده شود. اسباب‌بازی‌های مناسب، توانایی جسمی و ذهنی کودک ما را پرورش می‌دهند و باعث بروز خلاقیت‌ها و استعداد‌های وی می‌شوند و در نتیجه او را برای زندگی آینده و پذیرش نقش‌های اجتماعی متفاوت و مقابله با چالش‌های پیش رو آماده می‌کنند.



اسراف نکنید. در پس این بیان عمیق معنایی نقض و آموزنده نهفته است که درست خوردن و نوشیدن را به ما می آموزد. اینکه باید به اندازه خرید و به اندازه مصرف کرد، زیرا تعادل مهم ترین شرط حیات است، اما متأسفانه افراد بسیاری وجود دارند که اصل تعادل را در خوردن و نوشیدن رعایت نمی کنند و به ویژه زمانی که بحث تفریح و اوقات فراغت مطرح می شود، اسراف در خوردن و آشامیدن نیز مجال بروز و ظهور پیدا می کند. بعضی ها فکر می کنند وقتی در یک فضای فراغتی مثل پارک و کوه، دشت و صحرا قرار می گیرند باید آنقدر بخورند و بنوشند که دل درد بگیرند و مریض شوند و کارشان به بیمارستان بکشد! حالا اگر این اسراف با عدم رعایت اصول زیست محیطی همراه شود، نتیجه اش فاجعه بار خواهد بود. منظورمان همان تپه های زباله است که مثل غده های سرطانی حیات طبیعت را تهدید می کند و زیبایی رودخانه ها، جنگل ها و فضاها را سبز کوهستانی را از بین می برد. هزاران تن زباله ای که به شکل قوطی های خالی کنسرو، پوست میوه، کیسه های زباله، ظروف یکبار مصرف، بطری های پلاستیکی و شیشه های خالی در طبیعت رها شده و عامل اصلی تخریب محیط زیست است. اینها همه نتیجه خوردن و آشامیدن است، اما خوردن و آشامیدن که از فرهنگ صحیح و رفتار درستی پیروی نکرده و باعث آسیب ها و زیان های جبران ناپذیری برای محیط زندگی شده است.

امیدواریم شما میهمانان سفره پر برکت اوقات فراغت تابستانی از آن دست شهروندانی باشید که خوب و به اندازه می خوردند و خوردن و آشامیدن را به گونه ای با لحظه های ناب فراغت پیوند می زنید که هم فرح انگیز و لذت بخش باشد، هم آسیبی به خود و دیگران و محیطی که به لحظه های فراغت ما معنا می بخشد نزنند. قدر نعمت های فراوان خداوند را بدانیم و با استفاده صحیح از مواهب الهی زندگی را به کام خود و دیگران شیرین کنیم. *



لذت اوقات فراغت با رعایت آداب خوردن و آشامیدن

بخورید و بیاشامید ولی طبیعت را نابود نکنید

و قهوه در یک کافی شاپ یا صرف ناهار یا شام در یک رستوران متفاوت دعوت می شوید، اینها نمونه هایی شاخص از گذران اوقات فراغت است که با محوریت خوردن و نوشیدن معنا پیدا می کند و در کنار خود در عین حال گپ و گفت، تعامل، درد دل و سایر رفتارهای دلچسب را به همراه دارد که بار محتوایی و معنایی لحظه ای فراغت را غنی تر می کند.

به این ترتیب به جرئت می توان گفت که تمامی وجوه، انواع و اشکال های تفریحی اوقات فراغت واجد عنصر خوردن، ولی با آداب، فرهنگ و کیفیت خاص خود است. در حقیقت شیوه و اصول خوردن و نوشیدن آنقدر مهم است که به عنوان یک پدیده قابل تأمل اجتماعی از آن یاد می کنند و فرهنگ غذایی هر جامعه ای، بخشی لاینفک و تأثیر گذار در مجموعه فرهنگ آن جامعه محسوب می شود. بدون شک با این اصل مهم دین متعالی مان آشنا هستید که می فرماید: «بخورید و بیاشامید، ولی

حسین گل محمدی

به نظر شما آیا می توان از اوقات فراغت تابستانی گفت و نوشت، اما از لذت خوردن یک قاج هندوانه سرخ و شیرین حرفی به میان نیاورد، چشیدن طعم نوبرانه های فصل گرما پیوندی ناگسستنی با لحظه های دلچسب فراغت تابستانی دارد. سفره های متنوع و قشنگی که کنار جوی آب، روی سبزه ها و در سایه دل انگیز درختان پهن می شود و مسافران و میهمانان پر شمار فصل فراغت را به خود فرا می خواند تا بیایند و کنار هم بنشینند و همراهی و همدلی و با هم خوش بودن را در کنار سفره مشترک به معنا بنشینند. سبدهای پر از خوراکی که با گروه های خانوادگی همراه می شود همسفر و همنشین آدم ها در لحظه های ناب فراغت است. آجیل، شیرینی و میوه لطف گذران یک روز تعطیل در بوستان و دشت است. از اینها گذشته خیلی مواقع خوردن و نوشیدن، نه فقط بخشی از یک برنامه فراغتی که عین فراغت

بعضی ها فکر می کنند وقتی در یک فضای فراغتی مثل پارک و کوه، دشت و صحرا قرار می گیرند، باید آنقدر بخورند و بنوشند که کارشان به بیمارستان بکشد! حالا اگر این اسراف با عدم رعایت اصول زیست محیطی همراه شود نتیجه اش فاجعه بار خواهد بود

می شود. وقتی یک دوست را به نوشیدن چای و خوردن عصرانه در یک چایخانه سنتی دعوت می کنید یا توسط آشنا و فامیل به صرف کیک

بخش اعظمی از مشکلات مان به عدم رعایت انصاف بر می گردد

رحم کن تا رحم ببینی



است، دیگران را زیر پا له می کند و خود شیفتگی و خود پسندی های او تمامی ندارد. امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «چگونه کسی می تواند عدالت را در حق دیگران رعایت کند، در حالی که به خودش ظلم می کند.» کسی که ظالم به خودش است، دیگران را به راحتی نمی بیند. دروغ می گوید. تهمت می زند. تحقیر می کند و حق دیگران را می خورد. خود شیفتگی و خود پسندی او تمامی ندارد و این باعث می شود به دیگران نگاه ابزاری داشته باشد و حتی در بسیاری مواقع انسان ها را نادیده بگیرد.

در روایتی آمده است: فردی در دوزخ فریاد می زند، ای خدای مهربان، مرا از آتش نجات بده. آن گاه خدا، فرشته ای را فرمان می دهد که او را از دوزخ بیرون آورده و در پیشگاه پروردگار بایستد. خدا به او می فرماید: آیا تو به یک پرده هم رحم کردی؟

فراوش نکنیم، با مهربانی به دیگران است که رحمت خدا فرود می آید. *

بخش زیادی از مشکلات امروز جامعه ما در حوزه معیشت به خاطر عدم رعایت انصاف نسبت به دیگران است. ظلم که چیز دوری نیست. در واقع عدم رعایت انصاف در حق دیگران عین ظلم است که از تک تک ما دور نیست

پیامبر (ص) از قول خداوند می فرماید: «اگر خواهان رحمت من هستید، رحم کنید.» در حدیث معروفی از علی (ع) می خوانیم: «رحم ترحم، رحم کن تا به تو نیز رحم کنند.»

بخش زیادی از مشکلات امروز جامعه ما در حوزه معیشت به خاطر عدم رعایت انصاف نسبت به حال دیگران است. ظلم که چیز دوری نیست. در واقع عدم رعایت انصاف در حق دیگران عین ظلم است که از تک تک ما دور نیست، اما ریشه این بی انصافی کجاست؟ بی انصافی آنجاست که فرد به حق خود خیانت می کند؛ وقتی کسی بتواند خود را نابود و با خود جنگ و دشمنی کند نباید توقع نیاز از او داشت. کسی که ظالم به خویش

نیره ساری

نقل است حضرت موسی (ع) هر چه امتش را به پرستش خداوند یکتا دعوت می کرد، آنها نافرمانی می کردند؛ پس از مدتی آن حضرت شکوانیه نزد خداوند برد و از او خواست که بر کافران عذاب نازل کند. خداوند فرمود: ای موسی به امت خود بگو اگر ایمان نیاورید و به یکدیگر ظلم کنید تا یک ماه دیگر غذایی سنگین بر شما نازل خواهیم کرد و همگی از گرسنگی هلاک خواهید شد! حضرت موسی، وحی الهی را به امت خود منتقل کرد. قوم آن حضرت برای اثبات خود، از دیوار خانه ها سوراخ ایجاد کردند تا در هنگام سختی به داد هم برسند و این قحطی بگذرد! یک هفته، یک ماه، دو ماه از موعد نزول غذایی که حضرت موسی وعده آن را داده بود، گذشت، اما خبری از عذاب الهی نشد. حضرت موسی علت را از خدا پرسید. خدا به او گفت: «قوم تو به هم رحم کردند! من چگونه به این قوم رحم نکنم؟»

در روزگاری به سر می بریم که بنا به دلایل مختلف، آشفته گی های مختلفی از در و دیوار زندگی و قلب مردم می ریزد. از مشکلات شخصی و خانوادگی گرفته تا فشارهای اقتصادی و معیشتی که گاهی اراده مدیریت مادی و معنوی را از هر فردی سلب می کند.

بخشی از مشکلات اقتصادی ما به خاطر اقتصاد بیمار در کشور است، بخش دیگری به تحریم ها بر می گردد و بی شک بخش مهمی از آن به رفتار فرد فرد ما مربوط می شود. به ما دستور دینی داده اند که به یکدیگر رحم کنیم، اما آیا این رفتار در همه ما وجود دارد.

دلستان روضه مکتوب می خواهد
 «ماه به روایت آه» را بخوانید

نازنین برادرم عباسم!

نیره ساری

او را از زیبایی به ماه تشبیه می کنند. ماه بنی هاشم، می دانی چرا؟ چون مثل ماه از خورشید وجود حسین (ع)، نور و گرمای می گیرد و دورش می گردد. نمی شود چشم در چشم خورشید دوخت و راز دل گفت، اما ماه واسطه راز و نیاز است.

اگر می خواهید عزاداری عاشقانه کنید و اگر دلستان روضه مکتوب می خواهد «ماه به روایت آه» را در دست بگیرید و بخوانید. کتابی با نثر روان و روایتی مستند با روای های متعدد که مرحوم ابوالفضل زروی نصرآباد آن را نوشته است. نویسنده در این کتاب تلاش کرده از زبان ۱۲ راوی، ناگفته هایی از قبل و بعد از شهادت پرچمدار کربلا با امانتداری، پایبندی و به مستندات تاریخی و روایی و پرهیز از اغراق روایت کند. کتاب در ۱۲ فصل و از زبان ۱۲ راوی به توصیف قمر بنی هاشم پرداخته است. نویسنده در این کتاب قصد ندارد به شکل و شیوه شهادت حضرت ابوالفضل بپردازد، بلکه همت خود را صرف بازگویی و رازگشایی از اموری کرده که با وجود جذابیت برای مخاطب تا به حال به آن پرداخته نشده است. اموری همچون خانواده مادری، کودکی، ازدواج، فرزندان، برادران، حیطه دانش و معرفت، جایگاه آن حضرت در میان اهل بیت و مسلمانان آن روزگار. کتاب، متنی ساده و در عین حال ساختار ادبی محکم و قابل تأمل است و به جز یک راوی تمام روایان کتاب شخصیت های واقعی هستند.

از دیگر جذابیت های کتاب، ذکر تاریخ شمسی تمامی

رخدادهاست که خواننده فارسی زبان را با وقوع حوادث در روز و ماه و سال هجری شمسی آن وقایع آشنا می کند. مؤلف در نگارش این ۱۲ روایت، با تکیه بر منابع دست اول تاریخی و مطالعه و فیش برداری از قریب ۶۰۰ کتاب، ضمن رعایت ایجاز، پرهیز از اطناب و نگاه احساسی متنی خواندنی و قابل اعتماد و استناد فراهم آورده است، متنی که در عین سادگی ساختار ادبی محکم و قابل تأملی دارد.

«ماه به روایت آه» برای همه کسانی که کتاب باقلم سنگین را نمی پسندند بسیار مناسب است و قطعاً اثر گذار خواهد بود.

در ادامه بخش هایی از کتاب را می خوانید.

■ از کلام امام حسین (ع)

آنگاه همه رفتند با چشمانی اشکبار و لحنی ملتسانه، آمدی که «مولای من، به خدا که جگرم از داغ رفتگان می سوزد و زندگی را بی اینان خوش نمی دارم. آقای غریبم، بگذارید بجنتم.» بگذارم بجنتم؟ تو آخرین امید و عزیزترینم هستی. تو ماه خاندان بنی هاشمی. تو جگر بند و تکیه گاه منی. اگر گزند می خورد نازنینت برسد، چه؟ نه برادرم، نه امیدم، نه... جنگ نه، اما کودکانه تشنه اند اگر می توانی قدری آب...

■ از کلام حضرت زینب (س)

چه غریب و تنهاییم در این بیابان. کاش گذاشته



نویسنده در کتاب «ماه به روایت آه» تلاش کرده است از زبان ۱۲ راوی، ناگفته هایی از قبل و بعد از شهادت پرچمدار کربلا با امانتداری، پایبندی و مستندات تاریخی و روایی و پرهیز از اغراق روایت کند

- می شنوی رقیه جان، این صدای پارا می شناسی؟
 لحظه ای آرام می گیرد و در سکوت، گوش می خواباند.

- بله این عموم عباس است.

- آفرین، پس تا عمویت عباس هست، نباید از هیچ چیز بررسی.

- عموم آن بیرون نمی ترسد؟

- عمویت جز خدا از هیچ کس و هیچ چیز نمی ترسد. تا او هست، هیچ کس نمی تواند به ما آسیب برساند.

- اما اگر عموم عباس نباشد....

■ از زبان ام کلثوم

دلیم بر مظلومیت نور چشم برادرم، رقیه می سوزد؛ طفل شیرین زبان و ناز پرورده ای که اگر در مدینه خار به دستش می رفت، مردم گروه گروه به دلداری و خریداری نازش می آمدند.

سرهای شهیدان را در طبق هایی بزرگ به مجلس می آوردند و فریاد و شیون از جماعت برمی خیزد. هر یک از اسیران خطاب به سر عزیز خود نوحه

سر می کند و در این میان، برادرم عباس همچون همیشه مظلوم، محبوب و غریب است. سر نازنینش را در آغوش می گیرم و بر سینه می چسبانم.

بی اختیار سیلاب اشک از چشمان خشکیده ام می جوشد و می نالم: نازنین برادرم، عباسم... ❀

بودند در غاضبه و کنار قبیله بنی اسد فرود آییم، نه اینجا که معبر مار و مور است و عقرب و چلپاسه. دل شیر مردان هم در این وحشت سرا می گیرد، چه رسد به زنان و اطفال...

- خوابم نمی برد عمه جان. چرا از اینجا نمی رویم؟
 دلم برای خانه خودمان تنگ شده، از اینجا می ترسم.

آخرین طفل خیمه، ساعتی پیش آرام گرفته و خوابیده است، اما رقیه در آغوش و سر بر بازوی من، با صدایی گرفته و بغض آلود، بی تابی می کند. صدای پای آرام و سنگین از بیرون خیمه به گوش می رسد.



سایر مناسبت های مذهبی سنتی پسندیده و برگرفته از سیره معصومین ماست، اما چه خوب است در کنار غذای جسم، غذای روح هم تأمین شود.

ما باید در کنار سینه زنی، پرچم زنی و عزاداری کمی هم به فکر فرهنگ و غذای روح مردم که همان کتاب است، باشیم که یکی از بهترین شیوه ها در این زمینه نذر کتاب است. ❀

بود. اولین و بزرگ ترین دانشگاه اسلامی که اکثر دانشمندان اسلام از آن بیرون آمدند توسط حضرت امام محمدباقر و حضرت جعفر صادق بنیانگذاری شد. ما اگر بخواهیم به سنت بازماندگان کربلا عمل کنیم باید به دنبال آگاهی بخشی باشیم و آگاهی جز با مطالعه به دست نخواهد آمد.

البته سنت دادن غذای جسم در ایام محرم و صفر و

چرا نذری «کتاب» نباشد

ایام ماه محرم بهترین زمان برای آشنایی با فلسفه و انگیزه و ابعاد قیام امام حسین (ع) است. بی تردید یکی از راه های بسیار مؤثر در این مسیر، مطالعه کتاب هایی است که درباره قیام کربلا نوشته شده است. همچنین این ایام می تواند مناسبت زیبایی برای نذر کتاب باشد، یعنی در کنار سایر نذورات به نذر کتاب هم فکر کنیم.

رضا حاجی آبادی، ناشر و طراح نذر کتاب می گوید: طرح نذر کتاب در دی ماه ۱۳۸۸ به همت انتشارات هزاره ققنوس و سفیر اردهال در فروشگاه های کوچک در میدان هفت تیر تهران آغاز شد. همیشه احساس می کردم جای هدیه های فرهنگی در ایام عاشورا و مراسم هایی که به مناسبت ایام محرم برگزار می شود خالی است. این در حالی بود که همه ما می دانیم که

ایام ماه محرم بهترین زمان برای آشنایی با فلسفه و انگیزه و ابعاد قیام امام حسین (ع) است. بی تردید یکی از راه های بسیار مؤثر در این مسیر، مطالعه کتاب هایی است که درباره قیام کربلا نوشته شده است. همچنین این ایام می تواند مناسبت زیبایی برای نذر کتاب باشد، یعنی در کنار سایر نذورات به نذر کتاب هم فکر کنیم.

■ آیین سقاخانه در بروجرد

آیین سقاخانه در بروجرد که در میراث معنوی کشور ثبت شده، با حضور خیل عظیم بانوان در این مکان ها و عزاداری محرم همراه است. این مکان معنوی احترام خاصی بین شهروندان دارد و با پرچم و عکس هایی از ائمه اطهار (ع) و همچنین عروسک های پارچه ای به نشانه قنداق حضرت علی اصغر (ع) در گهواره های چوبی تزیین می شود.

چراغ های سقاخانه تا پایان دهه محرم روشن می ماند و برخی از افراد که نذر کرده باشند، آن را تا پایان ماه صفر به همان شکل نگه می دارند تا حاجت روا شوند. عده ای از عزاداران نیز یکی از چراغ های سقاخانه را با خود می برند تا نذرشان ادا شود و آن را سال دیگر به سقاخانه برگردانند. ورود به سقاخانه ها نیاز به دعوت ندارد و وجود پرچم سیاه بر در منازل، نشانه کافی برای وجود مراسم عزاداری و روضه خوانی است.

■ کرب زنی در لاهیجان

آیین کرب زنی از دیرباز توسط عزاداران محله «شعبان» لاهیجان در شب هشتم و نهمین در روز عاشورا برگزار می شود. کرب زن ها، چوبی استوانه ای شکل به وزن ۴۰۰ تا ۶۰۰ گرم را در دست می گیرند که از میان به دو نیم تقسیم شده است و هر نیمه چوب، تسمه ای چرمی دارد. عزاداران دست خود را از تسمه چرمی رد می کنند و در حین حرکت و خم و راست شدن، دو تکه چوب را به زیر پا و پشت سر خود می برند و به هم می زنند. ضرباهنگ این حرکت با وزن مرثیه هماهنگی دارد.

■ آیین سنتی هلیم یزان فریدن

آیین هلیم یزان در بقعه ابو شیخ سلیمان دارانی، سنتی دیرینه در فریدن است که هم زمان با شب عاشورا برگزار می شود. حدود چهار تن هلیم در شب عاشورا بار گذاشته می شود و اکثر افراد حاضر در پخت هلیم، کشاورز هستند که محصول زراعی خود یعنی گندم را نذر هلیم یزان کرده اند. مردم پس از شستن دیگ ها، لیبک حسین می گویند و دیگ ها را همراه با همزن های چوبی بلند حمل می کنند. مداحی نیز نقش پررنگی در شروع هلیم یزان دارد. این مراسم از شب عاشورا تا سپیده دم ادامه دارد که با زیارت عاشورا، نوحه و ذکر همراه است. دیگ جداگانه ای برای زنان در نظر گرفته می شود که می توانند برای تبرک و افزون نمک مشارکت کنند. صبح عاشورا نیز هلیم بین مردم و مسافران توزیع می شود.

■ چلچلا در مجن شاهرود

آیین چلچلا در مجن، شهری زیبا و پلکانی، همه ساله در ایام محرم برگزار می شود که جذابیت آن باعث حضور گردشگران مذهبی از اقصی نقاط کشور مخصوصا تهران و گرگان شده است. این رسم دیرینه از غروب آفتاب شب سوم ماه محرم در صحن تکیه بالا و پایین مجن آغاز می شود و تا شب دهم ادامه می یابد.

پس از آب و جاروی تکیه پایین که قبل از غروب آفتاب رخ می دهد، فضای تکیه با فرش و جاجیم پوشانده می شود و ۴۰ پایه چراغ شمعدان در محل قرار می گیرد که به همین دلیل به آن چلچلا می گویند. در ادامه بابای تکیه شروع به خواندن دعا می کند. پس از ذکر صلوات، بخش هایی از زیارت عاشورا قرائت می شود. زنان و دختران نیز بر پشت بام های پلکانی می نشینند و برای روای حاجات خود در غروب آفتاب دعا می کنند.

در همین حین مردم نذورات خود شامل نان محلی و قند را به تکیه می آورند و روی سفره های مربوطه می گذارند و یک بسته کوچک نبات دریافت می کنند. این مراسم با دعا و فاتحه به پایان می رسد و سپس چراغ ها را دست به دست می چرخانند و می بوسند. *

نقل و تلخیص از: وبسایت کجارو
مراسم عاشورا در شهرهای مختلف ایران
صدیقه شجاعی



نگاهی به آیین های سنتی عزاداری امام حسین (ع)

در مناطق مختلف ایران

عظیم ترین سمفونی
غمبار دنیا

نمایی از عزاداری در بوشهر

ندارند» و همین طور «امشبی را شه دین در حرمش مهمان است، مکن ای صبح طلوع، صبح فردا بدنش زیر سم اسبان است، مکن ای صبح طلوع» اشاره کرد. شعر خوانی، سکوت و مجدداً شعر خوانی منجر به شکل گیری سمفونی یکپارچه و منحصر به فردی می شود که شور زیادی به عزاداری محرم می بخشد.

■ عزاداری زنان آستانه اشرفیه

در برخی شهرهای شمالی کشور نظیر آستانه اشرفیه، زنان عزادار اصلی هستند. آنها که بخش دیگری از واقعه عاشورا را به تصویر می کشند، به یاد زنان قبیله بنی اسد که برای دفن شهدای کربلا رفته بودند، دسته عزاداری زنان بنی اسد را در یازدهمین شب از ماه محرم به راه می اندازند.

زنان عزادار، ضمن پوشیدن لباس های بلند، بیل در دست می گیرند که نمادی برای دفن شهدای کربلا است. همچنین ساقه های برنج یا به زبان محلی «کلوش» را به نشانه عزای بر سر و صورت خود می زنند.

■ خیمه کوبی نوش آباد

خیمه کوبی، ترکیبی از شبیه خوانی و عزاداری است که به باز آفرینی ورود قافله اباعبدالله الحسین (ع) به کربلا اختصاص دارد. این مراسم مقدمه ای برای مراسم دیگری است که بر چیدن خیمه انبیا و حرکت اسیران از کربلا به شام در روز یازدهم محرم را بازسازی می کند. خیمه کوبی پیشینه ای بیش از یک قرن دارد و در سال ۱۳۹۲ در فهرست میراث معنوی کشور به ثبت رسیده است.

■ پولکه گردانی در روستای شیشوان

عجب شیر

آیین پولکه گردانی (پولکه تولاماخ) که قدمت آن احتمالاً به دوره صفویه می رسد، به نوعی یادآور آتش گرفتن خیمه های کاروان امام حسین (ع) است. «پولکه» به توبی آتشین گفته می شود که در اثر اشتعال پارچه آغشته به نفت می سوزد. در این مراسم، توبی از پارچه را به نفت و مواد سوختی آغشته می کنند و در شب عاشورا آتش می زنند. عزاداران یکی یکی به زیر مشعل می روند و آن را می چرخانند. در این فاصله دو نفر آنها را مشایعت می کنند که یکی سطل آبی در دست دارد و دیگری آب سطل را بر آتش گردان می ریزد تا خنک شود.

محرم که فرامی رسد ایران یکپارچه سوگوار سید و سالار شهیدان و یارانش می شود. در هر شهر و دیاری آیین های زیبا و دیدنی عزاداری اجرا می شود و هزاران تصویر شگفت انگیز و بی بدیل از ارادت ایرانیان شیعه به امام حسین (ع) خلق می شود. در حال حاضر، آداب و رسوم محرم در شهرهای مختلف ایران به شکل های متفاوتی است که برخی از آنها همچون مراسم حسینیه اعظم زنجان به جاذبه گردشگری مذهبی تبدیل شده اند. آیین های عزاداری سیدالشهدا در ایران به راستی عظیم ترین سمفونی تراژیک دنیا است. در ادامه به برخی از آیین های عزاداری کمتر شناخته شده در برخی شهرهای ایران پرداخته ایم.

■ آیین چغچغه زنی در روستای انجدان
استان مرکزی

آیین چغچغه زنی از رسوم عزاداری محرم در روستای انجدان است که قدمت آن به دوران تیموری و صفویه می رسد و در فهرست میراث آثار معنوی کشور به ثبت رسیده است. برای برگزاری این مراسم، مردم محله بالا انجدان در روز نهم محرم به طرف محله پایین حرکت می کنند و در طول راه ابزاری چوبی به نام چغچغه را با نوایی موزون به هم می کوبند. وجه تسمیه این آیین به این صورت است که وقتی خبر شهادت امام حسین (ع) و یارانش به گوش شیعیان رسید، مردم سنگ بر سنگ می زدند که با گذشت زمان، دو تکه چوب جایگزین آن شد.

■ دودمه خوانی در خمینی شهر

دودمه خوانی، آیین ویژه شب تاسوعا و عاشورا در خمینی شهر است که شامل استفاده از سروده های موزون می شود. عزاداران به دو دسته تقسیم می شوند که دسته نخست ضمن خواندن مصرعی از یک شعر، سینه می زند و با ذکر حسین (ع) ساکت می شوند. سپس نوبت به دسته دوم می رسد که از حرکت می ایستند و مصرع دوم را می خوانند. این چرخه به همین منوال تکرار می شود. از معروف ترین شعرهای دودمه خوانی می توان به «امشب حرم آل عبا آب ندارند، طفلان حسین بن علی خواب



عزاداری زنان در آستانه اشرفیه



آیین کرب زنی در لاهیجان

هادیانه

پیامبر گرامی اسلام:

...و هی اطهر بقاع الأرض و اعظمها حرمة و انها لمن بطحاء الجنة
 ...کر بلا پاکترین بقعه روی زمین و از نظر احترام بزرگ‌ترین بقعه هاست و الحق که کر بلا از بساط‌های بهشت
 است.
 (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱۱۵ و نیز کامل الزیارات، ص ۲)

حکیمانه

به جامه‌های سیاه کودکان کو دیدم
 دلم به یاد اسیران کر بلا خون شد
 به یاد تشنه لبان کنار نهر فرات
 کنار چشم من از گریه رود کارون شد
 چو بر حسین بگریی به حشر خندانی
 هر آن دو دیده که نگر نیست سخت مغبون شد
 استاد شهریار

نکته‌دانه

خاطره استاد فرشچیان از نقاشی عصر عاشورا



یک سال در دهه ماه محرم و روز عاشورا عصر من در خانه بودم، اما حس و حال عجیبی داشتم. مادرم که دیدم تنها در خانه مانده و به هیچ هیئت و روضه‌ای نرفته‌ام، دلگیر شد و گفت: «همه همسن و سال‌های تو مشغول عزاداری هستند یا در هیئت‌ها کاری برای امام حسین (ع) انجام می‌دهند چرا تو در خانه نشسته‌ای و کاری نمی‌کنی؟»
 همین تلنگر مادرم کنار شور و حال عجیبی که داشتم، قرار گرفت. به اتاق رفتم و ناخودآگاه پشت بوم نقاشی قرار گرفتم. دست به قلم بردم و طرح اولیه عصر عاشورا را در مدت زمان کوتاهی کشیدم. در همان مدت کوتاه حتی قسمت‌هایی از رنگ آمیزی را هم انجام دادم. هنوز هم خودم نمی‌دانم چطور این اثر خلق شد، اما می‌دانم در آن زمان و دقیق، حس و حال خوبی داشتم، گویی مورد توجه و عنایت حضرت سیدالشهدا (ع) قرار گرفته بودم که توانستم چنین طرحی بزیم، طوری که صاحب‌بنظران، تابلوی عصر عاشورا اثری جاودانه می‌نامند.



حسین کشتکار

برای مراسم حسینی به کار می‌رود در بردارنده اشعار فارسی و مرثیه‌هایی درباره امام حسین (ع) است. خط به کار رفته در این اشعار نستعلیق فارسی است. بر این اساس آشناترین جلوه‌های هنر خوشنویسی در خدمت مضامین عاشورایی پیوندی ناگسستنی با ترکیب بندهای محتشم کاشانی پیدا کرده که در فاصله کتیبه‌های هر مصرع از این ترکیب بند، عبارت «یا ابا عبدالله الحسین» که یادآوری کننده شأن و نزول حادثه است، تکرار می‌شود.

کاسه چهل کلید

حضرت ابوالفضل العباس (ع)، به عنوان نمادی از مظلومیت، جوانمردی و رشادت در حادثه کر بلا، نقش سقا (آب دهنده) را به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر عاشورایی در روایت کر بلا بر عهده دارد. به همین دلیل عده‌ای از عاشقان آن حضرت، در مراسم عاشورایی به عزاداران حسینی آب می‌دهند. برای این منظور از کاسه‌های طلایی رنگی که با آیه‌های قرآنی تزئین و در وسط آن دست پنج تن نصب شده، استفاده می‌شود. به دست پنج تن وسط کاسه، تعدادی کلید آویزان است، به همین دلیل این کاسه‌ها به «کاسه چهل کلید» مشهورند.

پنجه یاد دست پنج تن

در بالای کتل‌ها، علامت فلزی دست بریده قرار دارد که تجسم کننده حماسه کر بلاست. همچنین می‌توان آن را نمادی از دست بریده حضرت ابوالفضل (ع) و نمادی از پنج تن آل عبا دانست.

ادای دین هنر به نهضت حسینی

استفاده از صنایع دستی و هنرهای سنتی در مراسم عاشورایی



کتل به صورت زوج در دو سوی دسته عزاداری و در جلو حرکت داده می‌شود. در ساخت این کتل‌ها نیز انواع پارچه‌های رنگی خصوصاً سیاه به عنوان نمادی از عزاء، قرمز به معنای خون شهدا و سبز به عنوان سمبلی از سادات و اهل بیت پیامبر (ص) به کار می‌رود که با نوارهایی طلایی رنگ از یکدیگر جدا می‌شوند.

کتیبه

کتیبه به پارچه سیاهی گفته می‌شود که اصولاً اشعاری در رثای امام حسین (ع) گلدوزی می‌شود. کاربرد کتیبه در تزئین تکیه‌هاست.

پارچه‌های قلمکار

پارچه‌های قلمکار یکی از هنرهای سنتی مشهور ایرانی است، اما علاوه بر کاربردهای مرسومی چون رومیزی و سجاده، از این پارچه‌ها در آراستن مجالس روضه‌خوانی نیز استفاده می‌شود. اصولاً پارچه‌های قلمکاری که

مردم و عزاداران حماسه حسینی، هر ساله برای هر چه باشکوه‌تر کردن یاد عاشورا، از ادوات و ابزاری چون عَلم، کُتل، بیرق، انواع پارچه‌های سوزن دوزی شده، کتیبه‌ها و... استفاده می‌کنند که نشانگر ذوق، اراده و عشق هنرمندان ایران به سالار شهدای امام حسین (ع) است. استفاده از هنرهای دستی به عنوان سمبل‌هایی است که به بیان واقعه عاشورا در قالب هنری می‌پردازد و نمادهایی است که این حادثه عظیم را جاودانه می‌کند. در این نوشتار با معرفی برخی از این نمادها، حضور بن‌ما به‌های کر بلایی در هنر اسلامی بررسی شده است.



بیرق دوزی

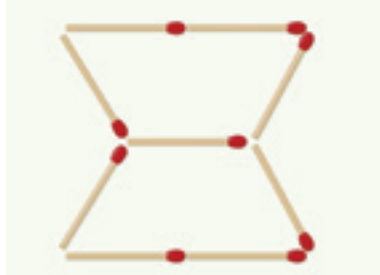
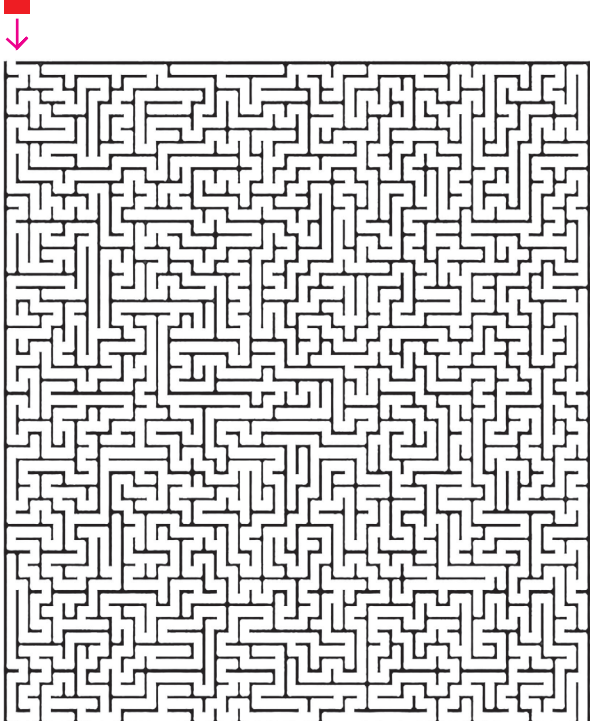
بیرق، درفش یا پرچم، تکه‌ای پارچه نقش دار است که به عنوان نماد یک ملت به کار می‌رود. در عزاداری‌های حسینی، استفاده از «بیرق عزا» حدود ۱۵۰ سال پیش با ورود صنعت خیاطی به ایران رواج یافت. استفاده از گلدوزی‌های متنوع با جملاتی مانند سالار کر بلا ابوالفضل (ع)، یا حسین شهید (ع) در کنار نقش مایه‌هایی از ذوالجناح، خیمه‌گاه، کوه، لشکر، دست بریده حضرت ابوالفضل و... این بیرق‌ها را به نمادی از حماسه کر بلایی تبدیل کرده است.

کتل

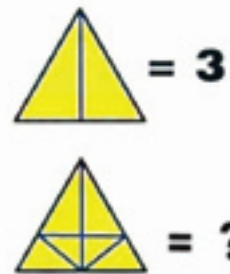
کتل، به عَلمی گفته می‌شود که مانند استوانه‌ای عمودی بوده و بر بالای چوبی نصب می‌شود. اصولاً

بازیخانه

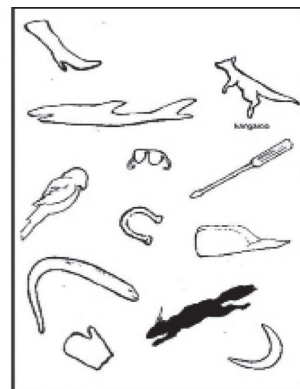
یک مداد بردارید و مسیر صحیح از نقطه قرمز تا نقطه آبی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن رسم کنید



۲ تا از چوب کبریت‌ها را طوری جابه‌جا کنید که ۳ مثلث تشکیل شود.



با دقت به تصویر نگاه کنید. به نظر شما در جای علامت «؟» چه عددی باید قرار بگیرد؟



تصاویر روبه‌رو را در تصویر منظره فیل پیدا کنید.

جواب معماها:

• جواب مثلث ۱۰۰

